

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری نفیودوف – (DMITRY NEFYODOV)

برگردان: ا. م. شیری-

۱۵ می ۲۰۲۴

## اتحادیه اقتصادی اوراسیا- آفریقا



در جست و جوی تعادل بهینه

مشارکت اقتصادی ساختاری با کشورهای در حال توسعه تنها به مناطق آزاد تجاری محدود نمی‌شود.

«اقتصاد به مثابه زیربنا، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در تعمیق روابط اقتصادی اتحادیه اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه

اوراسیا و آفریقا و به تبع آن، در تکوین و تکامل دنیای چندقطبی و تقویت و تحکیم آن ایفاء نماید.» شیری

ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در ۸ ماه مه در اجلاس شورای عالی اقتصادی اوراسیا با اشاره به نقش این

اتحادیه در تضمین توسعه اقتصادی باثبات گفت: «اتحادیه اقتصادی اوراسیا خود را به عنوان یکی از مراکز جهان

چندقطبی در حال ظهور تثبیت کرده است. منطقه اوراسیا کارایی خود را در مواجهه با دشواری‌ها و تحریم‌های جدید و

همچنین برچیدن بسیاری از پایه‌های اساسی تجارت بین‌المللی نشان داده است.» پوتین با اشاره به اجرای مؤثر

قراردادهای تجاری با جمهوری خلق چین، توافقنامه‌های آزادسازی تجارت با صربستان، ایران و ویتنام گفت: «بسیاری

از کشورهای خارجی و ساختارهای بزرگ منطقه‌ای مانند کشورهای مشترک‌المنافع، سازمان همکاری شانگهای و

انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا علاقه‌مند به توسعه روابط با اتحادیه ما هستند.» قراردادهایی با مصر، اندونزی و

امارات متحده عربی که پتانسیل اقتصادی جدی دارند، در مرحله آماده‌سازی هستند.

الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهوری بلاروس نیز به نوبه خود، از رویکرد جامع اتحادیه برای برقراری روابط

اقتصادی با همه کشورهای در حال توسعه حمایت کرد. مسائل مربوطه، به دلایل معلوم، برای اتحادیه اقتصادی اوراسیا

و کشورهای شریک میرمیت دارد. با این حال، بعید است که تعمیق تعامل همگرائی فقط به مناطق آزاد تجاری محدود

شود. همانطور که رئیس جمهور بلاروس اشاره کرد، آماده‌سازی و گسترش آن در واقع اصلی‌ترین، اگر نگوئیم تنها بردار در تعامل مجمع اقتصادی اوراسیا با این کشورها است...

به گفته لوکاشنکو، «کار ایجاد مشارکت با کشورهای ثالث باید نظاممند شود. در واقعیت‌های جغرافیای اقتصادی کنونی، ما باید کاملاً درک کنیم که با کدام کشورها، به چه ترتیبی و در چه چارچوب زمانی، منطقه آزاد تجاری تشکیل می‌شود و با کدام یک از شرکای بالقوه تعامل خود را در چارچوب تفاهمنامه‌ها محدود خواهیم کرد».

در عین حال، «هنوز توجه کمی به بحث در سطح اتحادیه با قاره آفریقا مبذول شده است. آفریقا به طیف وسیعی از کالاها، کار، خدمات و فناوری‌های ما نیاز دارد. آفریقا، مانند امریکای لاتین، از استعمار کشورهای پیشرو خسته شده است. و این لحظه‌ای است که ما باید آفریقا را دریائیم» (و همین‌طور، امریکای لاتین را).

دمیتری ولوچ، معاون وزیر توسعه اقتصادی در یکی از جلسه‌های مجمع روسیه و آفریقا در جولای گذشته گفت: حجم تجارت خارجی اتحادیه آفریقا و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی هفت سال، ۶۰ درصد افزایش یافته و به بیش از ۱۹ میلیارد دلار در سال رسیده است. صادرات از اتحادیه اقتصادی اوراسیا به بازارهای آفریقا ۷۴ درصد، واردات از آنجا، ۱۵.۵ درصد افزایش یافته است. سهم اصلی در مجموعه صادرات کالاهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به کشورهای آفریقایی را مواد غذایی، مواد خام کشاورزی به ویژه گندم، جو و همچنین محصولات معدنی، فرآورده‌های نفتی و زغال سنگ تشکیل می‌دهد. واردات اتحادیه اقتصادی اوراسیا طبق معمول، عمدتاً شامل انواع میوه، مرکبات، دانه‌های کاکائو، سنگ‌های فسیلی و سبزیجات بوده است.

نظاممند شدن روابط اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا با آفریقا و به طور کلی با جهان «سوم» سابق در شرایط رقابت ژئوپلیتیکی که به حد کافی تشدید شده است، حرکت به سمت نوعی مشابه کنوانسیون لومه- معاهده اتحادیه اروپا با گروه کشورهای در حال توسعه آفریقا، امریکای مرکزی، اقیانوسیه و تعدادی از کشورهای جنوب آسیا را نشان می‌دهد (کنوانسیون‌های لومه در سال‌های ۱۹۷۵، ۱۹۷۹، ۱۹۸۵، ۱۹۸۹ در پایتخت توگو امضاء شد). ۷۶ کشور در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته عضو کنوانسیون‌ها هستند. مفاد استراتژیک این اسناد، **اول** - عبارت است از به حداقل رساندن (و در مورد کشورهای کمتر توسعه‌یافته، لغو) عوارض و سایر محدودیت‌ها در صادرات از این کشورها، با شرایط ترجیحی برای واردات از اتحادیه اروپا. بنابراین، در اینجا از مناطق آزاد تجاری برای گروه‌های کالا یا تجارت آزاد برای کل محدوده محصولات متقابلاً عرضه شده سخن می‌رود.

**دوم** - تقریباً ۱۰۰ درصد (به کشورهای کمتر توسعه‌یافته) و قسماً (به کشورهای در حال توسعه) به ازای ضررهای ناشی از کاهش قیمت‌های جهانی کالاهای صادره در نظر گرفته می‌شود.

**سوم** - اعطای وام با شرایط ترجیحی و حذف دوره‌ای اعتبار یا بدهی تجاری، در درجه اول به کشورهای کمتر توسعه یافته.

**چهارم** - در عین حال، مداخلات ارزی ویژه برای حفظ توان پرداخت پول ملی کشورهای «در حال توسعه» با حداکثر پویایی کاهش ارزش آن‌ها پیش‌بینی شده است. اما این مداخلات تقریباً همیشه به بدهی کالائی یا مالی کشورهای دریافت‌کننده چنین کمک‌ها تبدیل می‌شود.

**پنجم** - افزایش تعداد یا حجم مبادلات پایاپای کالا در مواجهه با شرایط نامساعد کالا برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته. اما قیمت‌های نهائی در این معاملات، به استثنای موارد نادر، توسط مقامات تجاری و یا شرکت‌های کشورهای اتحادیه اروپا تعیین می‌شود. هدف از این نیز مانند مداخلات ارزی غیرمجاز فوق‌الذکر، حفظ نقش کشورهای آفریقایی به عنوان زانده مواد خام و بدهکاران به اتحادیه اروپا (غرب) است و به نوبه خود، علاقه‌مندی همان کشورها

را نه تنها به بازارهای جدید، بلکه در یک زمینه گسترده‌تر – در یک ساختار روابط اقتصادی خارجی جدید که باعث دور شدن از مواد خام و مدل اقتصادی داخلی و خارجی «بدهی» می‌شود، افزایش می‌دهد.

در این زمینه، به نظر می‌رسد اسناد مشابه اتحادیه اقتصادی اوراسیا با آفریقا در مقایسه با کنوانسیون لومه، مستلزم رقابت پذیری بیشتری در رابطه با تمامی شرایط ترجیحی برای آفریقا و سایر کشورهای در حال توسعه و کم‌توسعه‌یافته است تا برابری اقتصادی آن‌ها در روابط با اتحادیه اقتصادی اوراسیا تضمین شود. به ویژه، در اینجا حوزه مبادله کالا مهم است. یعنی باید درخواست‌های این کشورها (از جمله به دلایل سیاسی) در اولویت قرار گیرد. به ویژه به این دلیل که شاید مبادله پایاپای برای آن‌ها اولویت اصلی در خطمشی اقتصاد خارجی قبلی، امروزی و آینده باشد.

شاید این نوع امتیازات نامناسب به نظر برسد، اما در هر صورت باید در اینجا به دنبال تعادل بود. باید در نظر داشت که چین، کشورهای اسکاندیناوی، جاپان، کوریای جنوبی، تایوان، کشورهای عربی خلیج فارس، برزیل، هند، مالزی، ترکیه، برونئی، ترجیحات شرکای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته را در قیمت‌های مبادله‌ئی به طور منظم اعمال می‌کنند.

همانطور که می‌بینیم، کنوانسیون‌های مذکور – لومه و معاهدات بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای مذکور – از چارچوب مناطق آزاد تجاری مورد نظر فراتر می‌روند. منظور آن‌ها عبارت از یک ساختار یکپارچه روابط اقتصادی است که «روابط متقابل» اقتصادی جامع در مقیاس جهانی را تضمین می‌کند.

البته، خلاف اتحادیه اروپا، ویژگی انجمن همگرایی اوراسیا این است که فرصت‌های اقتصادی و مالی خارجی، حضور اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بازارهای نوظهور، به دلایل روشن، تقریباً به طور انحصاری در اختیار روسیه است. قبل از همه، به این دلیل که اکثر کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا علاقه‌مندی کافی به توسعه روابط اقتصادی با کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته نشان نمی‌دهند، به ویژه به این دلیل که، به استثنای بلاروس بسیار صنعتی، سایر کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توانند به زبان ساده، از فرصت‌های اقتصادی خارجی کوچکتر، از جمله، فرصت‌های مالی، به خود بی‌بالند.

در این زمینه کافی است بگوئیم که اعمال و حفظ جزئی تحریم‌های اتحادیه اروپا و امریکا و بسیاری از کشورهای غربی دیگر (از دهه ۹۰ به بعد) به عنوان مثال علیه لیبیا، زیمبابوه، مالی، گینه، گینه استوایی، سوریه، کوریای شمالی، میانمار، سودان، سودان جنوبی، سیرالئون و اریتره به این واقعیت منجر شده که از میان کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فقط فدراسیون روسیه و بلاروس روابط اقتصادی پایدار با آن‌ها حفظ کنند.

به عنوان مثال، در کل حجم تجارت کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا با آفریقا و اکثر کشورهای در حال توسعه (از جمله، کمتر توسعه‌یافته) در ۱۰ سال گذشته، سهم فدراسیون روسیه طبق آمار تجارت، حداقل ۸۵٪، بلاروس – حدود ۱۰ درصد بوده است. چنین نسبت‌هایی با این واقعیت نشان داده می‌شود که در کمک‌های مشترک سالانه به بودجه اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سهم فدراسیون روسیه تقریباً ۸۵٪؛ قزاقستان – تقریباً ۷٪؛ بلاروس – تقریباً ۵٪ تعیین شده است.

بنابراین، بار اصلی در شکل‌گیری و اجرای توافقنامه‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا مشابه کنوانسیون‌های لومه، بر دوش روسیه خواهد بود. با این حال، تقریباً همین اتفاق در مناطق آزاد تجاری موجود اتحادیه اوراسیا با ویتنام، صربستان و ایران رخ می‌دهد که در آن‌ها سهم تجارت بین فدراسیون روسیه و کشورهای شریک بیش از ۸۰٪ است.

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#) / ۲۴ اردیبهشت - ثور ۱۴۰۳